روزنامه شهروند

ویژه‌نامه کوله‌پشتی ضمیمه رایگان امروز

۲۰ صفحه
۵۰۰ تومان

رسانه فرهنگ خدمت داوطلبانه ایرانیان
www.shahrvand-newspaper.ir

چهارشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۹۳ | سال دوم
شماره ۳۷۶ | ۱۴ ذی‌القعده ۱۴۳۵ | 10 Sep 2014

«شهروند» از داغ شدن بازار جادوگری در ورزش گزارش می دهد

فوتبال ایران
چند هیچ به سود رمال ها

علیپور در گفت‌وگو با «شهروند»: به حال این فوتبال باید خندید و گریست

گروه ورزش| بحث حضور جادوگران در فوتبال ایران و ارتباط آنها با مربیان از سال‌ها قبل وجود داشته و اخیرا نیز اثراتی از آنهـا در تیم‌های لیگ برتری یافت شـده است. اتفاقی باعث شده دوباره تنور این ماجرا داغ شود. پوشـیدن گرمکن در فصل گرما توسط یکی از مربیان لیگ برتری اسـت که پیش از این نیز توسـط برخی از بازیکنان به ارتباط با جادوگران متهم شده بود. در این گزارش نمونه‌هایی که از زبان برخی از اهالی فوتبال نقل شده را آورده‌ایم اما به دلیل نداشتن مدرک مستند هنوز هم مسئولان فدراسیون فوتبال نتوانسته‌اند با این پدیده شوم برخورد جدی داشته باشند.

از اوایل دهه ۸۰ تاکنون

به نظر می‌رسد اسـتارت ماجرای حضور جادوگران در فوتبال از اوایل دهه ۸۰ خورده است و هنوز هم هستند مربیان و مدیرانی که به این مسائل اعتقاد داشته و یکی از عوامل موفقیت خود را جادوگران می‌دانند. از کله خروس بگیر که در حوله یکی از دروازه‌بانان مطرح سال‌های اخیر فوتبال ایران یافت شد تا پوشـیدن کت جادویی. یک منبع آگاه در کرمان دراین‌باره به «شهروند» می‌گوید: «یکی از مربیان سابق مس کرمان زمانی که هدایت این تیم را برعهده داشت، در ابتدای هر بازی بطری شربتی را با خود به ورزشـگاه می‌آورد و آن را به دروازه‌بانی که قرار بود درون دروازه تیمش قرار بگیرد، می‌داد تا روی خط دروازه بریزد و بتواند از دروازه بهتر محافظت کند.»

الف-الف؛ متهم اصلی

سال ۸۸ برخی روزنامه‌های ورزشی ماجرای فردی را که به او «الف-الف» لقب داده بودند روی جلد بردند و نوشتند که در فوتبال ایران فردی همه کاره است و می‌گویند کار او با دیگران فرق می‌کند. او که در منطقه کلاک ساکن است با اکثر مربیان فوتبال ایران رابطه دارد.

صفحه ۱۹

۱۱ مرکز دپو و دفن زباله در سواحل شمالی کشور وجود دارد

خوش‌نشینی زباله‌ها در طبیعت شمال

عکس: نادر اربابی/ ایسنا

صفحه ۱۷

صفحه‌های طرح نو

موانع پیش روی توسعه از نگاه فعالان سیاسی

سایه اراده اقشار جامعه

با آثاری درباره:
حسـین انصاری راد، کریم ارغنـده پور، محمدحسـن قدیـری ابیانه، رضا منصوری، داریوش قنبری، احمد شیرزاد، محمدجواد حق شناس، مصطفی درایتی، محمد بسته نگار، فاطمه راکعی، آذر منصوری

صفحه‌های ۱۲-۹

اقتصاد

معاون اول از ورود میلیاردها دلار فاینانس خبرداد

آغاز جنگ با ۱۰ هزار پروژه نیمه‌تمام

صفحه ۴

۴ گردشگر در کویر مرنجاب ناپدید شدند

امدادگران هلال احمر در جست‌وجوی مردان گمشده

گفته می‌شود این گردشگران، بستگان یکی از چهره‌های سرشناس کشورند

صفحه ۱۸

هفت اقلیم

با مجوز وزارت ارشاد

«موسیقی رپ» از زیرزمین خارج می‌شود

صفحه ۱۴

یادداشت

خودکشی!

مصطفی عابدی | روزنامه نگار

رئیس سازمان پزشکی قانونی کشور اعلام کرده که طی سال گذشـته (۱۳۹۲) بیش از چهارهزار نفر در ایران اقدام به خودکشی موفق کرده‌اند. باید گفت که این روند طی سال‌های اخیر به نسبت افزایشی بوده است، زیرا متوسط تعداد فوت‌های ناشی از خودکشی طی سال‌های دهه ۸۰ حدود ۳۳۰۰ نفر در سال بوده و افزایش ۲۰درصدی آن در یک‌سـال مهم است. با وجود این، آمار فوق به خودی خود حساسیت‌برانگیز نیسـت، زیرا در گذشـته هم آمار خودکشی شاهد افزایش یا کاهش در این حدود را بوده اسـت، ضمن آن که متوسط خودکشـی به ازای جمعیت در ایران، بسیار کمتر از این شاخص در سطح جهانی است و بجز در برخی از مناطق در سایر نقاط کشور جای نگرانی زیاد نیست و هنوز به پدیده‌های حادی تبدیل نشده اسـت، ولی در هر حـال توجه به آن ضروری اسـت، به‌ویژه این که ممکن است در آینده نه چندان دور این پدیده به سطحی برسـد که کمتر انتظار آن می‌رود. ازجمله می‌توان بـه برخی از موارد اشـاره کرد. خبر مرگ یک استاد دانشـگاه در دانشگاه محل تدریس، برای بسیاری شـوک‌آور بود و این پرسـش را ایجاد می‌کند که چه شرایطی انسان را به نقطه‌ای غیرقابل بازگشت می‌رساند. فراموش نکنیم که خودکشی در ایران مذموم اسـت، برخلاف برخی کشورهای غربی که چنین نیسـت، به همین دلیل خانواده‌های فرد متوفی در ایران می‌کوشند که چنین وانمود کنند که مرگ فرد خودکشـی نبوده و قتل بوده است. زمانی وضع طلاق هم به همین گونه بود. بسیاری از افراد به واسطه مذموم بودن طلاق، به آن نزدیک نمی‌شدند. درحالی که اکنون وضع تغییر کرده و به همین دلیل هم شـاهد روند رو به رشد آن هسـتیم. خودکشی نیز چنین اسـت و اگر به دلایلی که دیر یا زود محقق خواهد شـد، نگرش و ارزش گذاری جامعه نسبت به آن تغییر کند، معلوم نیسـت با روند مشابه طلاق در خودکشـی نیز مواجه نشـویم. آمار خودکشی مهم است، حتی از قتل مهم‌تر است. زیرا بسیاری از قتل‌ها و دگرکشی‌ها بر اثر هیجانات لحظه‌ای یا عصبانیت و از همه مهم‌تر بدون قصد قتل انجام می‌شود درحالی که خودکشی واجد قصد و تصمیم قبلی است، و آمار آن هم بسـیار بیش از این هست که می‌بینیم زیرا سهم خودکشی‌های موفق و منجر به فوت کمتر از ۱۰ درصد کل (در کشـورهای غربی) خودکشی‌ها است، بخش مهمی از آن ۹۰درصدی هم که از مرگ نجات می‌یابند دچار مشـکلات و بیماری‌های متعددی می‌شوند و تعـداد قابل توجهی نیز تا پایان عمر معلـول و ناتوان می‌گردند. بنابراین ارزش آن را دارد که آمار خودکشی به‌عنـوان یک دماسـنج اجتماعی به آن نگریسـته شـود. البته همه خودکشـی‌ها را نمی‌توان در ذیل یک تحلیل درک کرد، بلکه خودکشـی انواع و اقسام دارد. با وجود این، یک نوع آن که ناشـی از به بن‌بست رسـیدن در زندگی و ناتوانی در تحمل شرایط و حل تضادهای فکری و عملی است، از سایرین مهم‌تر است. ناسـازگاری‌های بزرگی که در خانواده رخ داده، حتی امواج آن خانواده‌های قدیمی‌تر را نیز در بر گرفته، یکی از ریشه‌های خودکشی و حتی دگرکشی است. البته فراموش نشود که به احتمال فراوان افزایش طلاق تا حدی موجب کنترل و کاهش این دو ناهنجاری یعنی خودکشی و دگرکشی شده اسـت. ناسازگاری‌های پیش‌آمده فرهنگی میان انتظارات متضاد و ناهمخوان با یکدیگر نیز یکی دیگر از دلایل خودکشی و دگرکشی است. ناملایمات اقتصادی و به‌طور مشخص نبودن شـغل یا درآمد و از آن بدتر بیکار شدن، بدون آن که چشم‌انداز روشنی از کسب شغل وجود داشته باشد، عامل مهم خودکشی اسـت. البته دلایل خودکشی در مردان و زنان تا حدود زیـادی فرق می‌کند با این حال به همان دلیلی که گفته شد، رغبتی برای طرح موضوع خودکشی و علل آن در مورد افراد وجود ندارد و خانواده‌ها مانع طرح آن می‌شوند، درحالی که درباره قتل، این قضیه متفاوت است.

یک زمان تعـداد خودکشـی‌های زنـان در ایلام به‌ویژه از طریق خودسوزی به شدت بالا رفته بود و لذا در این‌باره مطالعاتی انجام شد. ولی این روزها به دلایل متعدد از جمله نبود بودجه، انجام اینگونه مطالعات به فراموشی سپرده شده است. در دهه هشتاد بیشترین خودکشی (نسبت به جمعیت) در استان ایلام و سپس لرستان و کرمانشـاه بوده است. در مقابل استان‌های جنوب شـرقی و مرکزی کشـور از این نظر شاخص بهتری داشـته‌اند. این نکته نشان می‌دهد که فارغ از زمینه‌های اجتماعی که موجب خودکشی می‌شوند عوامل فرهنگی آن را تشـدید یـا تخفیف می‌دهند به‌طور مشخص می‌توان ایلام و بلوچستان را مقایسه کرد کـه از حیث میزان خودکشـی در دو قطب قرار دارند. در ایران سـهم مردان از تعداد خودکشی‌های دهه هشـتاد حدود ۷۰درصد کل خودکشی‌ها است که نشان‌دهنده ضربه‌پذیری بیشـتر مردان در برابر موضوعاتی اسـت که آن را ناملایمـات زندگی تلقی می‌کنند

یادداشت

جانمی جان... بزن اون تلمبه رو...!

محمدمهدی پورمحمدی

در این دنیای فانی هر صدا و هر حرفی ماندگار نیست. البته گفته‌اند: «تنها صداسـت که می‌مانـد[1]»، اما من قاطعانه عرض می‌کنم که هر صدایی ماندنی نیست. حرف و صدایی ماندنی است که دارای یک مراتبی از کیفیت و صلابت باشد که بتوان آن را به زر نوشت، در عمق حافظه حک کرد و برای عبرت آیندگان به‌صورت سنگ‌نبشته درآورد. از علامات قدرت و صلابت و محکمی حرف، آن است که قبل از خارج شدن از دهان و قبل از آن که درست و حسابی منعقد شود، اکثر روزنامه‌ها آن را بقاپند و تیتر کنند. مثال کاملاً روزآمد چنین گفتاری، اظهارات دو روز پیش دبیر محترم کارگروه مد و لباس است که فرموده‌اند: «ساپورت پدیده عجیب و غریبی نیست، نباید از ساپورت بترسیم، بلکه باید آن را مدیریت کنیم.[2]»

برای نشـان دادن کیفیت، قدرت و صلابت این گفتار لازم اسـت دو مثال؛ یکی از دوران نوجوانی صاحب این قلم و دیگری از دوران دولت‌های نهم و دهم بیان کنم، و خوانندگان عزیز را به قضاوت فرا خوانم.

در سال‌های آغازین دهه چهل، یعنی حدود پنجاه‌سال پیش بچه‌های کلاس‌های پنجم و ششـم دبیرسـتان حکیـم نظامی قـم در تـدارک اجرای نمایشـنامه‌ای تاریخی به نام «نادرشـاه افشـار فاتح هند» بودند. همه کارها از تحقیق و نگارش متـن تا تدارکات و... به خوبی پیش رفته بود و گیر کار فقـط در انتخاب دو دانش‌آموز بلندقد، هیکل‌مند و چهارشانه با صداهایی پرطنین و قوی بود که بتوانند نقش نادرشـاه و فرمانده لشکر او را بازی کنند. کارگردان برای پیدا کردن افراد مناسـب به اکثر دبیرستان‌ها سـر زد و از تعداد زیادی تست بازی و صدا گرفت و نهایتاً دو تا از همکلاسی‌های بنده انتخاب شدند. این شد که در تمامی شب‌های اجرا همه همکلاسی‌ها به تماشای آن نمایش می‌رفتیم و تقریباً کل دیالوگ‌ها را از بر شده بودیم، اما در حال حاضر هیچ‌کدام از ما، حتی یک سـطر از آن دیالوگ‌هـا را به یاد نمی‌آوریـم. چرا؟ زیرا آن دیالوگ‌ها به‌رغم آن که نویسنده برای هر جمله آن سـاعت‌ها وقت صرف کرده، بارها نوشته، خط زده و بازنویسی کرده بود، از آن صداهایی نبود که ماندگار باشد و شامل قانون «تنها صداست که می‌ماند» بشود.

آنچه آن نمایشـنامه را برای همه ما خاطره‌انگیز و به یاد ماندنی کرد کـه امروز بعد از پنجاه‌سـال آن را برای شما تعریف می‌کنم، نه دیالوگ‌های نویسنده، بلکه دو سـه جمله بداهه‌ای بود که در یکی از اجراها به اضطرار و اجبار بین نادرشـاه و فرمانده لشـکر او رد و بدل شد و آن نمایشـنامه را در ذهن همه ما جاودانه کرد. قبل از آن که آن جملات را طابق‌النعـل بالنعل یعنی مو به مو و بی‌کم‌وکاسـت نقل کنم، لازم اسـت قـدری راجع به صحنه‌آرایی و نورپـردازی نمایش توضیـح دهم تا آن بداهه‌گویی‌ها برای شما خواننده عزیز زنده‌تر و عینی‌تر جلوه کنـد. صحنه‌آرایـی و لباس با توجـه به بضاعت مزجات دانش‌آموزی قابل قبـول، اما نورپردازی به علت وضع افتضاح برق قم در آن زمان، چیزی شـبیه فاجعه بود. نور صحنه توسط چند نورافکن ضعیف که هر لحظه بیم قطعی داشت و چند چراغ توری نفت‌سوز تلمبه‌ای موسوم به چراغ زنبوری پایه‌دار تأمین می‌شد. اوج نمایش در صحنه‌ای بود که بین نادرشـاه و فرمانده لشـکر این دیالوگ‌ها رد و بدل می‌شد:

نادرشاه: سردار!

فرمانده: بله قربان!

نادرشاه: برای فتح هند لشکر را آماده کن، به سوی آن دیار حرکت می‌کنیم...

فرمانده: اطاعت قربان!

بعد فرمانده برای آماده کردن لشـکر از صحنه خارج می‌شد.

می‌بینید که هیچ چیز فوق‌العاده و به یادماندنی در این صحنه و این گفتار و این صداها نیسـت که بماند و بعد از پنجاه‌سال داستان آن برای شـما نقل شود، اما در آن شب به یادماندنی، برق رفته بود و فقط یک چراغ زنبوری پایه‌دار نور صحنه را تأمین می‌کرد. پس از آن که فرمانده گفت: «بله قربان» و داشت از صحنه خارج می‌شد، تنها چراغ زنبوری پایه‌داری که صحنه را روشن می‌کرد، خیلی ببخشید به فس فس و پت پت افتاد و اگر خاموش می‌شد، برای نمایش فاجعه بود. همکلاسی ما که نقش نادرشاه را بازی می‌کرد در یک اقدام ابتکاری و بدیع، فی‌البداهه برای نجات نمایش، فریاد زد: «سردار!» فرمانده که داشت خارج می‌شـد، برجای خود میخکوب شد و برگشت و گفت: «بله قربان!» نادرشاه گفت: «سردار قبل از آن که هند را فتح کنیم چند تلمبه به این چراغ زنبوری بزن که بدجوری به فس فس و پت پت افتاده است!» فرمانده با همان لحن پاسخ داد:

ادامه در صفحه ۱۷

پیام شهروند

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۰۹۷

- لطفـا از والیبالیسـت‌ها به‌خصوص سـیدمحمد موسوی گزارش تهیه کنید. حسن‌زاده_تبریز

شهروند: به روی چشم.

- تشکر از زحمات شـما و روزنامه پرمحتواتان. من کارشناسی ارشد مردم‌شناسی دارم می‌توانم با شما همکاری داشته‌باشم؟

شهروند: چرا که نه باعث افتخار است. مطالبتان را برایمان ارسال کنید.

- سلام. وقتتون بخیر و باتشـکر از روزنامه خوبتون. بنده از دنبال کننده‌های روزنامه شـما و یک روزنامه پرتیراژ اقتصادی می‌باشـم. اگر امکانش هسـت با توجه به اهمیت تاریخ ایران و جهان در صفحه تقویم تاریخ برای نوشته‌هاتون جزییات بیشتری از چرایی و چگونگی اتفاقـات تاریخی چـاپ کنید. (همانند دنیای اقتصاد) رسولی_آمل

شهروند: به دیده منت.

- لطفا با مهدی هاشمی و آزاده صمدی به مناسبت پخش سریال‌های دردسرهای عظیم و انقلاب زیبا با بازی خوب آنها گفت‌وگو کنید. حسین_بوکان

شهروند: این هم به چشم.

- سلام. شما که در شماره ۳۶۶ «تجمع اصفهانی‌ها در حمایت از زاینـده‌رود» را تیتر می‌کنید، حداقل مشکلات مردم چهارمحال‌وبختیاری را نیز منتشر کنید، از آسیب‌های اجرای تونل گلاب و بهشت‌آباد نیز بنویسید. یکطرفه به قاضی نروید.

شهروند: دوست عزیز! ما هیچ قضاوتی در آن گزارش نکرده بودیم نه یک طرفه نه دوطرفه، فقط اطلاع‌رسـانی کردیم. موضوعی که شما می‌فرمایید را هم حتما پیگیری می‌کنیم.

پذیرای آگهی‌های روزنامه شهروند

تلفن: ۲-۴۴۹۵۶۲۰۰ فاکس: ۴۴۹۵۶۲۰۳
Shahrvand.Agahiha@gmail.com

«انا لله و انا الیه راجعون»

برادر ارجمند جناب آقای دکتر نجفی

سرپرست محترم وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به حضرت تعالی و خانواده گرامیتان تسلیت عرض نموده و از خداوند رحمان برای آن مرحومه رحمت واسعه الهی و برای جنابعالی و بازماندگان محترم شکیبایی و سلامتی مسألت می‌نمایم.

دکتر محمد فرهادی

«انا لله و انا الیه راجعون»

برادر ارجمند جناب آقای مهندس فروزانمهر

معاون محترم هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منطقه‌ای وزارت کشور

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به حضرت تعالی و خانواده گرامیتان تسلیت عرض نموده و از خداوند رحمان برای آن مرحوم رحمت واسـعه الهی و برای جنابعالی و بازماندگان محترم شکیبایی و سلامتی مسألت می‌نمایم.

دکتر محمد فرهادی

۴ صفحه ویژه‌نامه استان البرز و زنجان، همدان
مازندران و غرب استان تهران
ضمیمه رایگان روزنامه امروز

۰۲۶-۳۴۴۵۸۸۸۰-۲
کرج، سه‌راه گوهردشت
ساختمان قفنوس، طبقه هشتم
واحد ۲۹
سرپرست: رضا عباس‌زاده

۳۰۰۰۰۹۷

پیام‌های خود را به سامانه پیام کوتاه «شهروند» فرستاده و ما را از نظرات انتقادات و پیشنهادات خودتان آگاه کنید.